

کد کنترل

801

A



عصر پنجشنبه

۱۴۰۳/۱۲/۰۲

دفترچه شماره ۳ از ۳



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
سازمان سنجش آموزش کشور

«علم و تحقیق، کلید پیشرفت کشور است.»  
مقام معظم رهبری

آزمون ورودی دوره‌های دکتری (نیمه‌متمرکز) – سال ۱۴۰۴  
زبان و ادبیات فارسی (کد ۲۱۰۱)

مدت زمان پاسخگویی: ۱۰۵ دقیقه

تعداد سؤال: ۸۰ سؤال

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤال‌ها

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	زبان عربی – کلیات ادبی (تاریخ ادبیات – دستور – عروض و قافیه – نقد و نظریه‌های ادبی معاصر)	۳۵	۱	۳۵
۲	بلاغت	۵	۳۶	۴۰
۳	متون نظم – متون نثر	۴۰	۴۱	۸۰

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

این آزمون نمره منفی دارد.

حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و با متخلفین برابر مقررات رفتار می‌شود.

\* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات کادر زیر، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب ..... با شماره داوطلبی ..... با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره صندلی خود با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخنامه و دفترچه سؤالات، نوع و کد کنترل درج شده بر روی جلد دفترچه سؤالات و پایین پاسخنامه را تأیید می‌نمایم.

امضا:

زبان عربی - کلیات ادبی (تاریخ ادبیات - دستور - عروض و قافیه - نقد و نظریه‌های ادبی معاصر):

■ ■ عین الأصحّ و الأدقّ في الجواب عن الترجمة أو التعريب أو المفهوم و غيرها: (۱-۸)

۱- ﴿و جعلنا من الماء كلّ شيءٍ حيٍّ﴾ عین الصحيح:

- (۱) و هر موجودی را از آب، زنده آفریدیم!  
 (۲) و هر موجودی را به وسیله آب، زنده آفریدیم!  
 (۳) و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم!  
 (۴) و هر چیزی را به وسیله آب، زنده قرار دادیم!  
 ۲- «كان كتاب الدواوين يوسعون ثقافتهم ما استطاعوا، و اهتموا خاصة بالثقافة الفلسفية اهتماماً قد عمق أفكارهم!»:

- (۱) کاتبان دربار به اندازه توان خود، فرهنگ خویش را توسعه دادند و به گونه‌ای که آراء و اندیشه‌هایشان پربار گردد، به فرهنگ فلسفه نیز توجه داشتند!  
 (۲) کاتبان حکومتی فرهنگ خویش را تا جایی که برایشان امکان داشت توسعه می‌دادند و مخصوصاً به فرهنگ فلسفی آنچنان توجه کردند که باعث عمیق شدن افکارشان شده بود!  
 (۳) فرهنگ منشیان دیوان تا آنجا که امکان داشت توسعه یافت و آنها به‌طور خاصی به فرهنگ فلسفی اهتمام داشتند تا جایی که باعث ژرفنگری در افکار آنها شده بود!  
 (۴) منشیان در دستگاه حکومتی به قدر استطاعت خویش فرهنگشان را گسترش می‌دادند، تا آنجا که نظرشان به فرهنگ فلسفی به قدری جلب شده بود که به تعمیق افکارشان انجامید!  
 ۳- «إنّه كان مشغولاً بالقراءة فذلک جعل کتبه و رسائله أشبه ما تكون بدوائر معارف، فليس هناك نوع من أنواع الثقافة في عصره إلا و تسرّبت منه فروع إلى تألیفاته!»:

- (۱) او آن قدر شیفته مطالعه بود که کتاب‌ها و نامه‌های وی بیشتر شبیه دایرةالمعارفها شده است، و تمام انواع فرهنگ زمانه‌اش در آثار وی منعکس شده است!  
 (۲) وی علاقه بسیار زیادی به خواندن داشت بنابراین نوشته‌هایش بیشتر مثل دایرةالمعارفها است تا کتاب، و هیچ گونه‌ای از فرهنگ دوره وی نیست که در آثارش وجود نداشته باشد!  
 (۳) علاقه زیادی که او به مطالعه داشت سبب شد تا آثار وی چون دایرةالمعارف شود، و هر آنچه در فرهنگ آن دوره وجود داشت و نیز زیرمجموعه‌های آنها به تألیفات وی نفوذ کرده است!  
 (۴) او شیفته خواندن بود، همین امر کتاب‌ها و رساله‌های وی را شبیه‌ترین چیز به دایرةالمعارف‌هایی قرار داده است، پس هیچ نوع از فرهنگ زمان او وجود ندارد مگر آنکه شاخه‌هایی از آن به نوشته‌هایش نفوذ کرده باشد!

۴- « فَأَلَيْتَ لَا يَنْفَكُ كَشْحِي بَطَانَةَ لِعُضْبِ رَقِيقِ الشُّفْرَتَيْنِ مَهْنَدٍ! »:

- ۱) تصمیم گرفتم از پهلوی او کنار نروم، گرچه شمشیر برآن تیز هندی بر فرقم کشند!
- ۲) سوگند یاد می‌کنم که پهلویم از شمشیر برآن نازک‌لبه هندی فاصله نگیرد!
- ۳) اراده کردم که از همنشینی با یار آزاده باریک‌میان هندی دست نکشم!
- ۴) قسم می‌خورم شمشیر برآن نازک‌لبه هندی مرا ترک نخواهد کرد!

۵- عَيْنِ الْخَطَا:

- ۱) لَمَّا أَتَى الْوَادِي لَمْ يَرِ عَلَيْهِ قَنْطَرَةٌ وَ رَأَى الذَّنْبَ قَدْ أُدْرِكُهُ: هنگامی که کنار نهر آمد، پل روی آب را ندید، اما فهمید که گرگی به او نزدیک شده است،
- ۲) فَأَلْقَى نَفْسَهُ فِي الْمَاءِ، وَ هُوَ لَا يُحْسِنُ السَّبَاحَةَ: پس خود را در آب انداخت درحالی‌که خوب از عهده شنا کردن بر نمی‌آمد؛
- ۳) وَ كَادَ يَغْرُقُ لَوْلَا أَنْ بَصَرَ إِلَيْهِ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ الْقَرْيَةِ: و اگر گروهی از مردم روستا او را نمی‌دیدند نزدیک بود غرق شود؛
- ۴) فَأَلْقَوْا أَنْفُسَهُمْ فِي الْمَاءِ لِإِخْرَاجِهِ، فَأَخْرَجُوهُ وَ قَدْ أَشْرَفَ عَلَى الْهَلَاكِ!: پس برای بیرون آوردن او خود را به آب انداختند و درحالی‌که در آستانه مرگ قرار گرفته بود، او را بیرون کشیدند!

۶- عَيْنِ الْآيَةِ تَخْتَلِفُ مَعَ الْآيَاتِ الْآخَرَى فِي الْمَفْهُومِ:

- ۱) ﴿ وَ مَا رَمَيْتَ إِذَا رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى ﴾
- ۲) ﴿ وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ ﴾
- ۳) ﴿ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ شَيْئًا فَايَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴾
- ۴) ﴿ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا ﴾

۷- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- «براساس منابع سنتی و طبق شواهد تاریخی، دیانت اسلام در طول قرون اولیه هجری به طریقی صلح‌آمیز و بیشتر از طریق تاجران به سرزمین‌های دوردست راه یافته است»:
- ۱) استناداً إلى المصادر التقليدية و حسب الشواهد التاريخية فقد دخل الدين الإسلامي طيلة القرون الهجرية الأولى البلاد النائية بأسلوب سلمي و عن طريق التجار في الغالب.
  - ۲) على أساس المصادر التقليدية و على حسب الشواهد التاريخية إنّ الدين الإسلامي كان قد دخل البلاد البعيدة طوال القرون الأولى من الهجرة بسلم و بواسطة التجار غالباً.
  - ۳) إنّ دين الإسلام قد ورد إلى الأراضي البعيدة في طول القرون الأولى بمسالمة و بيد التجار و تدلّ على ذلك الأمر المصادر التقليدية و المصادر التاريخية.
  - ۴) دين الإسلام دخل إلى الأراضي النائية بواسطة التجار و بوجه سلمي طوال القرون الأولى من الهجرة.

۸- « نوشته‌های تاریخی عرب از عناصر بیگانه‌ای که در ایجاد آن سهیم بوده است تأثیر پذیرفته، و این موضوع قابل انکار نیست!»: عین الصحیح:

- ۱) کتابات العرب التاريخية تأثرت بعناصر أجنبية كانت مشاركة في نشأتها و هذا أمر لا ينكر!
- ۲) الكتابات التاريخية العربية أثرت على العناصر الأجنبية التي كانت مساهمة في إيجادها وهذا غير منكر!
- ۳) هناك عناصر في الكتابة للأعراب لم تخلق من عدم، بل الحضارات هي التي نمت و تطورت بسببها و هذا لا ينكره أحد!
- ۴) العناصر للكتابة للعرب لا توجد من العدم، بل هناك حضارات غربية نمت تلك الحضارات و شاركت في تحوّلها!

### ■ ■ عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي (۹-۱۱)

- ۹- ﴿ و اجعل لي وزيراً من أهلي، هارون أخي. أشدد به أزري و أشركه في أمري﴾
- ۱) هارون: اسم ممنوع من الصرف و بدل كلّ من كلّ تابع للمبدل منه « وزيراً»
  - ۲) أخ: من الأسماء الخمسة أو الستة و عطف بيان و منصوب تقديرًا بالتبعية للمعطوف عليه « هارون»
  - ۳) وزيراً: مفعول به لفعل « اجعل»، من أهل: جار و مجرور و شبه الجملة مفعول به ثان لفعل « اجعل»
  - ۴) اشدد: فعل أمر - صحيح و مضاعف - جائز الإدغام و التفكيك، فاعله ضمير مستتر فيه وجوباً تقديره « أنت»
- ۱۰- « و ما أنت إلا جيفة طال حولها قيام ضباع أو قعود ذناب»:»
- ۱) طال: فعل ماض و فاعله « قيام» والجملة فعلية و نعت و مرفوع محلاً بالتبعية للمنعوت « جيفة»
  - ۲) جيفة: مستثنى مفرغ و مرفوع على أنه بدل لخبر « أنت» بسبب بطلان عملها لانتقاض خبرها ب « إلا»
  - ۳) أنت: اسم « ما» المشبهة بليس و مرفوع محلاً، جيفة: خبر « ما» المفرد و منصوب
  - ۴) قيام: مصدر و مادته أجوف واوي (ق و م) و فاعله « ضباع» المجرور بالإضافة لفظاً
- ۱۱- « و إني لتعروني لذكري هزةً كما انتفض العصفور بئله القطر»:»
- ۱) تعرو: مضارع - للغائبة - معتل و ناقص (له الإعلال بالإسكان) - متعدّ فعل مرفوع تقديرًا، فاعله « هزة» و الجملة فعلية و خبر « إن» و مرفوع محلاً
  - ۲) ذكري: اسم - مفرد - مؤنث - جامد و مصدر - معرّف بالإضافة - معرب - مقصور - ممنوع من الصرف / مجرور تقديرًا بحرف الجرّ؛ لذكري: جار و مجرور
  - ۳) انتفض: ماضٍ - مزيد ثلاثي من باب افتعال - صحيح و سالم - لازم/ فعل و فاعله «العصفور» و الجملة فعلية و مصدر مؤول
  - ۴) ما ( كما): اسم غير متصرف - موصول عام (لغير نوي العقول) - معرفة - مبني على السكون/ مجرور محلاً بحرف الجرّ؛ كما: جار و مجرور



■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية: (۱۲-۱۵)

۱۲- عین الحرف المضارع مضمومًا في كل الأفعال:

- (۱) أفتع - استقبل - باشر - تفاهم  
 (۲) زلزل - أقبل - علم - جادل  
 (۳) تزلزل - تعلم - اجترأ - كاتب  
 (۴) دحرج - تجرع - استمر - جلس

۱۳- عین ما یمتتع فيه الإدغام:

- (۱) لا تمدد يدك لتجني ثمرة زرعها غيرك!  
 (۲) أشدد أوأصرك الأخوية لئلا تبقى وحيدًا في الحياة!  
 (۳) لم يظلل الأمر هكذا؛ فهو في تطوّر و تحوّل!  
 (۴) سررت من زيارتك جدًّا، إذ لم يكن لي خبرٌ عنك!

۱۴- عین ما ليس فيه التمييز:

- (۱) لا يستطيع أحد أن يقول هو خير مني شفقة و رافة!  
 (۲) إنهم أعظم الناس حيلة من ورائه و ألمهم لشعته!  
 (۳) احذروا من الله ما حدركم من نفسه و اخشوه خشية لا تحتاج فيها إلى اعتذار!  
 (۴) لم تكثر دعوة من دعاكم عزة و لا تقل نصيحة من نصحك تأثيرا مما نحن عليه!

۱۵- عین المشتغل عنه منصوب وجوبًا:

- (۱) العلم إن درسته جيّدًا ينفكك، فالترزم به دائميًا!  
 (۲) هلاّ الحسنة تفعلها و تتوقعها من الآخرين!  
 (۳) أولادنا نجازيهم على أفعالهم الحسنة لنشوقهم في الإكثار منها!  
 (۴) الكتاب طالع مقدّمته أولًا و لا تغفل عنها، فإنّها مفيدة لفهم مطالبه!

۱۶- نقش دستوری واژه «هفت» در کدام مورد، با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) هفت آسمان را بردرم وز هفت دریا بگذرم چون دلبرانه بنگری در جان سرگردان من  
 (۲) ابر ده و دو هفت شد کدخدای گرفتند هر یک سزاوار جای  
 (۳) یکی از دو راه آنک کاووس رفت دگر کوه و بالا و منزل دو هفت  
 (۴) چنین هفت سالش همی آزمود به هر کار جز پاک‌زاده نبود

۱۷- نوع فعل جمله پایه در بیت زیر، چه ویژگی‌ای دارد؟

- «جز این قدر نتوان گفت در جمال تو عیب  
 که مهربانی از آن طبع و خو نمی‌آید»  
 (۱) مجهول  
 (۲) فعل کمکی  
 (۳) لازم یک شخصه  
 (۴) غیرشخصی

- ۱۸- مسندالیه در بیت زیر، چه ویژگی‌ای دارد؟  
 «بیند فلک نظیر تو لیکن به شرط آنک  
 هم سوی تو به دیده‌احول کند نظر»  
 (۱) معطوف به حرف شرط است.  
 (۲) حذف شده است.  
 (۳) مقدم است.  
 (۴) نکره است.
- ۱۹- مسند در بیت زیر، چه ویژگی‌ای دارد؟  
 «صبح گه‌هان باز در آمد زکوی  
 سوی پژولیده و ناشسته روی»  
 (۱) مقید به قید زمان است.  
 (۲) مقید به قید حالت است.  
 (۳) نکره است.  
 (۴) مقید به قید زمان و حالت است.
- ۲۰- در کدام مورد، نقش جمله مؤول با دیگر موارد متفاوت است؟  
 (۱) بداندیش تست آن و خونخوار خلق  
 (۲) شیر در وقت خنده خون ریزد  
 (۳) چنین است آیین و رسم جهان  
 (۴) دوست نزدیک‌تر از من به من است  
 که نفع تو جوید در آزار خلق  
 کیست کز پیل مسست نگریزد  
 که کردار خویش از تو دارد نه‌هان  
 وینست مشکل که من از وی دورم
- ۲۱- کدام دسته از شاعران زیر، در گروه نازک‌خیالان قرار می‌گیرند؟  
 (۱) بیدل دهلوی - ارادت واضح - وحشی بافقی - میرجلال اسیر  
 (۲) صائب تبریزی - طالب آملی - قدسی مشهدی - ظهوری ترشیزی  
 (۳) زلالی خوانساری - شوکت بخاری - صائب تبریزی - کلیم کاشانی  
 (۴) بیدل دهلوی - غنیمت کشمیری - جويا تبریزی - کلیم کاشانی
- ۲۲- کدام‌یک از شاعران معاصر، مفهوم بیت زیر از مولانا را در شعر خود آورده است؟  
 «آفتاب آمد دلیل آفتاب      گر دلیلت باید از وی رخ متاب»  
 (۱) احمد شاملو در شعر با چشم‌ها  
 (۲) مهدی اخوان ثالث در شعر شهریار شهر سنگستان  
 (۳) سهراب سپهری در شعر مسافر  
 (۴) سیاوش کسرای در شعر آرش کمانگیر
- ۲۳- از بین گزینه‌های زیر، کدام‌یک را می‌توان نخستین کتابی دانست که در آن، لغات مغولی آمده است؟  
 (۱) تاریخ بناکتی تألیف فخر بناکتی  
 (۲) طبقات ناصری تألیف منهج السراج  
 (۳) نظام التواریخ تألیف ناصرالدین البیضاوی  
 (۴) مجمع‌الانساب تألیف محمد بن علی شبانکاره
- ۲۴- این عبارت علامه قزوینی، درباره کدام کتاب است؟  
 «این کتاب نفیس مشتمل بر سه فن از فنون ادب است: علم عروض و علم قوافی و علم نقد الشعر و به جرأت می‌توان گفت که از ابتدای تدوین علوم به زبان پارسی ... هیچ کتابی بدین کمال و تنقیح تألیف نشده است.»  
 (۱) ابداع البدایع  
 (۲) فنون بلاغت و صناعات ادبی  
 (۳) المعجم فی معاییر اشعار العجم  
 (۴) حدایق السحر فی دقایق الشعر
- ۲۵- نخستین نمایشنامه‌نویس ایرانی که به زبان فارسی نمایشنامه نوشت، که بود؟  
 (۱) آخوند زاده  
 (۲) مؤید الممالک فکری  
 (۳) میرزا آقا تبریزی  
 (۴) علی‌خان ظهیرالدوله
- ۲۶- وزن بیت زیر چیست؟  
 «من از مادری زادم که پارم پدر بود او  
 شدم خاک آن پای کز پیش سر بود او»  
 (۱) فعولن فعولن فع // فعولن فعولن فع  
 (۲) مفاعیلن فعولن // مفاعیلن فعولن  
 (۳) مفاعیلن فعولن فع // مفاعیلن فعولن فع  
 (۴) مفاعیلن فعولن فع // مفاعیلن فعولن فع

- ۲۷- وزن کدام مورد، به درستی بیان شده است؟
- (۱) ای کوه ای بند ضحاک آیا به یادت هست: مجتث ائلم  
 (۲) در لجه سرگردانی چون گوی شناور بودم: هزج اخرب ازل  
 (۳) دوباره می‌سازمت وطن اگرچه با خشت جان خویش: رجز مرفل مطوی  
 (۴) ای پرده برگرفته ز رخ می‌بینمت به پرده دری: مضارع اخرب مکفوف مجبوب
- ۲۸- وزن اصلی این بیت چیست؟
- «جنبش سرو تو پنداری کز باد صباست؟ نه، که از ناله مرغان چمن در طرب است»
- (۱) فاعلاتن فاعلاتن مفعولن فعلن  
 (۲) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن  
 (۳) فاعلاتن مفعولن فاعلاتن مفعولن  
 (۴) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن
- ۲۹- در این بیت‌ها که از یک قصیده واحد بر مبنای چاپ‌های مشهور کلیات سعدی انتخاب شده‌اند، از منظر قواعد قافیه، قافیه کدام بیت نادرست است؟
- (۱) خوش است عمر دریغا که جاودانی نیست پس اعتماد بر این پنج روز فانی نیست  
 (۲) کدام باد بهاری وزید در آفاق که باز در عقبش نکبتی خزانی نیست  
 (۳) نگاه دار زبان تا به دوزخت نبرد که از زبان بتر اندر جهان زبانی نیست  
 (۴) زمین به تیغ بلاغت گرفته‌ای سعدی! سپاس دار که جز فیض آسمانی نیست
- ۳۰- از نظر شعرای قدیم، کدام دو کلمه نمی‌تواند با هم قافیه شوند؟
- (۱) کور - زور  
 (۲) سیب - کتیب  
 (۳) بدید - لذید  
 (۴) پور - سرور
- ۳۱- شعر زیر، به کدام مکتب / جنبش ادبی تعلق نزدیک‌تری دارد؟
- «در ایستگاه مترو: منظره این صورت‌ها در ازدحام جمعیت گلبرگ‌هایی بر یک شاخه سیاه خیس»
- (۱) دادائیسیم  
 (۲) اکسپرسیونیسم  
 (۳) سوررئالیسم  
 (۴) ایماژیسم
- ۳۲- از منظر نشانه‌شناسی، کدام مورد دارای انگیختگی معنایی در دال نیست؟
- (۱) یوسف گم‌گشته بازآید به کنعان غم‌مخور  
 (۲) گر بهار عمر باشد باز بر تخت چمن  
 (۳) دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت  
 (۴) ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی بر کند
- ۳۳- براساس کدام نوع نقد، استعاره و مجاز مرسل جزو بنیانی سازوکارهای ضمیر ناخودآگاه به‌شمار می‌رود؟
- (۱) کهن‌الگویی  
 (۲) لاکانی  
 (۳) فرمالیستی  
 (۴) ساختاری
- ۳۴- کدام متفکر منتقد ادبی، تحت تأثیر آرای سوسور نبوده است؟
- (۱) ولادیمیر پراپ  
 (۲) کلودلوی استراوس  
 (۳) جانان کالر  
 (۴) چارلز سندرس پیرس
- ۳۵- براساس نظریه نقش‌های زبانی رومن یاکوبسن در بیت زیر، چه نقش‌هایی مشاهده می‌شود؟
- «حد قدم می‌پرس که هرگز نیامده است در کوچه حدودت عمارت کبریا»
- (۱) ادبی، ترغیبی و ارجاعی  
 (۲) ادبی، فرازبانی و عاطفی  
 (۳) ترغیبی، ادبی و عاطفی  
 (۴) ارجاعی، عاطفی و ترغیبی

بلاغت:

- ۳۶- آرایه‌های «متناقض نما - حسن تعلیل - اسلوب معادله - استخدام» به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شود؟
- الف- از آن مژگان او دست دعا بر آسمان دارد      که دایم از خدا خواهد شفای چشم بیمارش  
ب- با که این نکته توان گفت که آن سنگین دل      کشت ما را و دم عیسی مریم با اوست  
ج- باز آ که در فراق تو چشم امیدوار      چون گوش روزه‌دار بر الله اکبر است  
د- در حقیقت تنگدستی مایه دیوانگی است      در چمن بید از غم بی‌حاصلی مجنون شود
- (۱) «ج»، «د»، «الف» و «ب»  
(۲) «ب»، «الف»، «د» و «ج»  
(۳) «د»، «الف»، «ج» و «ب»  
(۴) «ب»، «د»، «الف» و «ج»
- ۳۷- در کدام مورد به آرایه‌های بیت زیر به‌درستی اشاره شده است؟
- «به بوی زلف و رخت می روند و می آیند      صبا به غالیه سایی و گل به جلوه‌گری  
(۱) لف و نشر مشوش - استعاره - ایهام - حسن تعلیل  
(۲) ایهام - لف و نشر مرتب - تشخیص - تضاد  
(۳) مراعات نظیر - ایهام - تناقض - حسن تعلیل  
(۴) تشبیه - ایهام تناسب - کنایه - مجاز»
- ۳۸- غرض / اغراض ثانوی از پرسش در بیت زیر چیست؟
- «سر چیست تا به طاعت او بر زمین نهند      جان در رهش دریغ نباشد نثار کرد»  
(۱) استبطاء  
(۲) تعظیم و استیناس  
(۳) تمهید برای تقریر خبر  
(۴) تعجیز و استرحام
- ۳۹- در بیت زیر، چه صنعتی وجود دارد؟
- «راه عشق ارچه کمینگاه کمان‌داران است      هرکه دانسته رود صرفه ز اعدا ببرد»  
(۱) اسلوب‌الحکیم  
(۲) ایهام  
(۳) ایهام تبادر  
(۴) ایهام تناسب
- ۴۰- هسته مرکزی تصویر استعاری، در کدام مورد متفاوت است؟
- (۱) آسمان در طلب واسطه عقد نجوم  
(۲) چو خاتون یغما به خلخال زر  
(۳) ماهی نهنگوار به حلقش فرو برد  
(۴) نعایم پیش او چون چار خاطب  
روی در رای تو آورده که وی شاهد وی  
ز خرگاه خلیخ برآورد سر  
چون یونسش دوباره به صحرا برافکند  
به پیش چار خاطب چار مؤذن
- متون نظم - متون نثر:
- ۴۱- ممدوح ابیات زیر، در کدام مورد متفاوت است؟
- (۱) یوسف دلوی شده چون آفتاب  
(۲) نسبت داوودی او کرده چست  
(۳) هم‌سفرانش سپر انداختند  
(۴) یافت فراخی گهر از درج تنگ  
یونس حوتی شده چون دل‌و آب  
بر شرفش نام سلیمان درست  
بال شکستند و پر انداختند  
نیست عجب زادن گوهر زسنگ

- ۴۲- مفهوم کدام مورد به مفهوم بیت زیر، نزدیک‌تر است؟  
 «من این حروف نوشتم چنان که غیر ندانست  
 (۱) تا کجا روشن بود کیفیت اسرار عشق  
 (۲) به عشق عین طلب شو که دیده یعقوب  
 (۳) وصل حق بیدل نظر بر بستن است از ماسوی  
 (۴) عاقبت نقش دو عالم پاک خواهد کرد عشق  
 کدام مورد، توصیف دقیق‌تر بیت زیر است؟  
 «هر که را بینی طلبکار ای پسر  
 (۱) جویندگان حقیقت  
 (۳) مجذوبان سالک  
 مفهوم کدام مورد، با موارد دیگر متفاوت است؟  
 الف - زعکس طبعم بهار جلوه بستان دهد  
 ب - به مسجد اندر سگان هیچ خردمند بست  
 ج - نظم گهر گیر تو گفته خود سربه‌سر  
 د - کس این سخن بهر لاف سوی عراق آورد؟  
 (۱) «ج» (۲) «الف»  
 در بیت زیر، به کدام مورد اشاره شده است؟  
 «بنگه تیر از او شود روضه‌صفت به تازگی  
 (۱) ورود شمس به برج دو پیکر، اوج عطارد  
 (۳) آغاز طراوت بهار  
 معنی «فتح باب» در کدام مورد متفاوت است؟  
 (۱) آخر از فتح باب صحت داد  
 (۲) بردمانند زشعله آتشش  
 (۳) در صحبت به روی خلق ببند  
 (۴) هر کجا خشکسال عافیت است  
 مفهوم اصلی کدام بیت، با ابیات دیگر متفاوت است؟  
 (۱) نه پنج روزه عمر است عشق روی تو ما را  
 (۲) و عندی منها نشووه قبل نشأتی  
 (۳) چنین که در دل من داغ زلف سرکش توست  
 (۴) از آن به‌دیر مغانم عزیز می‌دارند  
 معنی نقش در کدام بیت متفاوت است؟  
 (۱) ای نقشش زیاد طالع من  
 (۲) ز نقش‌های غریب آنچه جام جم دارد  
 (۳) بلندنامی غربت زیاده از وطن است  
 (۴) چون آینه است عالم نقش کمال عشق است  
 تو هم ز روی کرامت چنان بخوان که تو دانی»  
 می‌کشد مکتوب خاکستر پر پروانه‌ها  
 سفید ناشده سهل است پیرهن گوید  
 قرب شه خواهی زعالم چشم چون شهباز بند  
 شعله بهر خوردن خاشاک یکسر اشتهاست  
 یار او شو پیش او انداز سر»  
 (۲) سالکان مجذوب  
 (۴) پیران به یار رسیده  
 ز شرم لفظم گهر رخت سوی کان برد  
 به کعبه اندر بتان هیچ مسلمان برد؟  
 کسی گهر بهر سود باز به عمان برد؟  
 والله اگر عاشق این به که فروشان برد  
 (۳) «ب» (۴) «د»  
 خرگه ماه از او شود خلدوش از منوری»  
 (۲) ورود خورشید به برج سلطان، اوج قمر  
 (۴) آغاز فصل تابستان  
 آسـمان آن غبـار را تسـکین  
 فـتـح بـاب کـف تو مهرگیـاه  
 هـوس فـتـح بـاب گـر داری  
 بهـر تیغ تو فـتـح بـاب کـنند  
 وَجَدتَ رَائِحَةَ الْوُودِ إِنْ شَمَمْتَ رُفَاتِي  
 مَعِيَ أَبَدًا تَبْقَى وَ إِنْ بَلَى الْعَظْمُ  
 بِنَفْسِهِ زَارَ شَوْد تَرَبْتُمْ چو در گذرم  
 که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست  
 در زایچه فـنـنـات جـویم  
 دل شکسته ما بی‌زیاد و کم دارد  
 که پشت نقش بود در نگین به روی نگین  
 ای مردمان که دیده است جزوی ز کل زیاده

- ۴۹- گوینده ابیات زیر، با توجه به تلمیح تاریخی آن کیست؟  
 «منت خدای را که به فر خدایگان  
 منت خدای را که به جانم نکرد قصد  
 (۱) غضایری (۲) ازرقی  
 (۳) امیر معزی (۴) عسجدی
- ۵۰- مفهوم بیت زیر از انوری، در کدام مورد آمده است؟  
 «گنج آتسز گنج قارون بود اگر نی کی شدی  
 (۱) بی ارزش بودن مشتریان فقیر در بازار  
 (۳) موقتی و بی ثبات بودن ثروت مادی انسان  
 (۴) انتقاد از پادشاه به علت حمایت از شاعران کم‌مایه
- ۵۱- شاعر در بیت زیر، بر چه مفهومی تأکید می‌کند؟  
 «هست در وصف او به وقت دلیل  
 (۱) رد نظریه مشبه و معطله درباره توصیف خداوند  
 (۳) رد نظریه منزهه درباره خداوند
- ۵۲- کدام مورد، با معنی ابیات زیر، نزدیکی بیشتری دارد؟  
 «دزی سرش بر اوج رخشنده مهر  
 ز بالاش گفتی که در ژرف چاه  
 (۱) در بالای آن برج خورشید که چشمه فلک است در برج حوت مانند چشم ماهی به نظر می‌رسید.  
 (۲) وقتی به بالای برج می‌رفتی انگار در چاه ژرفی هستی که آسمان به نظرت مثل چشمه است و برج حوت شبیه چشم ماهی  
 (۳) بلندی برج آسمان را چشمه چشمه و سوراخ کرده بود و ماه را هم چون چشم ماهی که بسته نمی‌شود خیره و مات کرده بود.  
 (۴) برج آن قدر بلند بود که در بالای آن، آسمان هم چون چشمه‌ای در چاهی ژرف به نظر می‌رسید و ماه مثل چشم ماهی بود در آن چشمه
- ۵۳- بیت زیر، با کدام مورد، نزدیکی معنایی بیشتری دارد؟  
 «اذا رجوت المسـتحیل فأنـما  
 (۱) صبر ما از دوستان ناممکن است  
 (۲) ز هر جایی که پرسیدم دواي درد دل گفتا  
 (۳) کشتگان سوموم قهر ترا  
 (۴) گر کسی را طاقت تسلیم نیست
- ۵۴- بیت زیر، توصیف کدام گروه است؟  
 «زهـد که در زرکش سلطان بود  
 (۱) پشمینه‌پوشان زردوست  
 (۳) دارایان زاهد
- ۵۵- مفهوم واژه‌های مشخص شده در کدام عبارت نادرست است؟  
 (۱) دنیا به عرض فقر بده وقت «من یزید»  
 (۲) در دل مدار نقش امائی که شرط نیست  
 (۳) با سایه رکاب محمد عنان در آر  
 (۴) آن شب که سوی کعبه خلت نهاد روی
- من بنده بی‌گنه نشدم کشته رایگان  
 تیری که شه به قصد نینداخت از کمان»  
 (۲) وجود فاصله زیاد بین اغنیا و فقرا  
 (۴) نطق تشبیه و خامشی تعطیل»  
 (۲) امکان استدلال اثبات خداوند  
 (۴) امکان توصیف خداوند
- ره پرخمش نردبـان سـپهر  
 فلک چشمه و چشم ماهی است ماه»  
 (۲) امکان استدلال اثبات خداوند  
 (۴) امکان توصیف خداوند
- تبنی الامور علی شفیـر هـار  
 آشکارا و نهان ناممکن است  
 الا تا حلقه اقبال ناممکن نجبانی  
 حشر ناممکن است روز قیام  
 از قضا کردن کران ناممکن است
- قصه زنیـل و سلیمان بود  
 (۲) زاهدان درباری  
 (۴) زردستان به ظاهر زاهد
- کان گوهر تمام عیار ارزد این بها (فقر)  
 بتخانه ساختن ز نظرگاه پادشا (چشم)  
 تا «طرقوا» زنان تو گردند اصفیا (چاکر)  
 این غول‌دار بادیه را کرد زیر پا (گیتی)

- ۵۶- بیت زیر، با کدام بیت، قرابت مفهومی بیشتری دارد؟  
 «زان رخ گلگون عرق یاقوت احمر می شود»  
 (۱) سبزه زنگار در تیغ تو جوهر می شود  
 (۲) گلشن حسن از بهار عشق خرم می شود  
 (۳) جان ز ترک جسم چون گوهر فروزان می شود  
 (۴) پیش بلبل جای گل هرگز نمی گیرد گلاب
- ۵۷- در کدام مورد، باور عامیانه‌ای به چشم نمی خورد؟  
 (۱) چو بیژن داری اندر چه مخسب افراسیاب آسا  
 (۲) مساز عیش که نامردم است طبع جهان  
 (۳) فلک افعی تن زمرد سلب است  
 (۴) کاشکی خورشید را زین غم نبودی چشم درد
- ۵۸- مفهوم کدام بیت، با ابیات دیگر متفاوت است؟  
 الف - نبود رنگ دوعالم که نقش الفت بود  
 ب - مگر گشایش حافظ در این خرابی بود  
 ج - من از ورع می و مطرب ندیدمی زین پیش  
 د - کنون به آب می لعل خرقه می شویم  
 (۱) «الف» (۲) «ب» (۳) «ج» (۴) «د»
- ۵۹- مفهوم بیت زیر چیست؟  
 «بانگ بر سرسته ز بر سرسته بدان»  
 (۱) دانستن حال افراد مختلف از ظاهر آنها  
 (۲) دانستن برتری علما بر نادانان  
 (۳) دانستن تفاوت منشأ صدای وحی و صدای مدعیان  
 (۴) دانستن فرق صوفیان حقیقی و مدعیان
- ۶۰- کدام مورد، متن زیر را کامل می کند؟  
 «در ترازو جو رفیق زر شده ست  
 بنا بر این .....»  
 (۱) تغییر در ذات ممکن است.  
 (۲) مصاحبت سبب سنخیت نمی شود.  
 (۳) همنشین ارزشمند، ارزشمندت می کند.  
 (۴) بی عنایت، تغییر ممکن نشود.
- ۶۱- معنی کدام گزینه، با عبارت زیر، نزدیکی بیشتری دارد؟  
 «ورم در حال به رسم استغفار در قدم افتاد و الم بر سیل اعتذار بر پای ایستاد ... انگشتها مانند اصابع مدری برهنه ماند و کف چون پنجه مریمی عاری شد.»  
 (۱) پاهایم ورم کرد و درد گرفت و انگشتانم مانند انگشت شانه لاغر شد و دستم خالی ماند.  
 (۲) دشمن برای استغفار به پای من افتاد و سخن چین برای عذرخواهی در برابر من ایستاد انگشت آنها از توطئه (نوشتن علیه من) برهنه شد و دستشان مانند گل مریم خالی شد.  
 (۳) پاهایم باد کرده بود اما درد از من دوری می کرد و به احترام من دور ایستاده بود. انگشتانم را از زیور انگشت برهنه کردم و دستم را مانند پنجه حضرت مریم (از مال دنیا) خالی کردم.  
 (۴) و آن گروه برای عذرخواهی به پای من افتادند و به خواست من بعد از عذرخواهی سرپا ایستادند. انگشت آنها مانند چوب خلال از هر توطئه‌ای خشک شد و دستشان مانند گل مریم از همه چیز برهنه شد.
- چون زمین افتاد قابل دانه گوهر می شود»  
 کف در این دریای گوهرخیز عنبر می شود  
 اشک بلبل رنگ چون گرداند شبنم می شود  
 چون بخار از گل برآید ابر نیسان می شود  
 تشنه دیدار کی قانع به کوثر می شود  
 که رستم در کمین است و نهنگی زیر خفتاش  
 مخور کرفس که پرکژدم است صحن سرای  
 دفع این افعی پیچان چه کنم؟  
 تا بر این چشم و چراغ انجمن بگریستی  
 زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت  
 که بخشش از لیش در می مغان انداخت  
 هوای مغبجگانم در این و آن انداخت  
 نصیبه ازل از خود نمی توان انداخت  
 تاج شاهان را ز تاج هدهدان»  
 (۲) دانستن برتری علما بر نادانان  
 (۴) دانستن فرق صوفیان حقیقی و مدعیان  
 نه از آن که جو چو زر گوهر شده ست»  
 (۲) مصاحبت سبب سنخیت نمی شود.  
 (۴) بی عنایت، تغییر ممکن نشود.

۶۲- کدام مورد، متن زیر را تکمیل می‌کند؟

«وَمَا السُّلْطَانُ إِلَّا الْبَحْرُ عَظْمًا وَ قُرْبُ الْبَحْرِ مَحْذُورٌ الْعَوَاقِبِ»  
چرا که .....

- ۱) هر که بر درگاه ملوک از عملی که مقلد آن بوده‌ست معزول گشته یا به دشمن سلطان التجا یافته نشاید فرمود پادشاه را در فرستادن او به جانب خصم.
- ۲) تربیت پادشاه بر قدر منفعت باید که در صلاح ملک از هر یک بیند چه اگر بی‌هنران خدمت اسلاف را وسیلت سعادت سازند خلل به کارها راه یابد.
- ۳) پادشاه بر اطلاق اهل فضل را به کمال کرامات مخصوص نگرداند لکن اقبال بر نزدیکان خود فرماید که به وسایل و قبول محترم باشند.
- ۴) یکی از سکران ملک آن است که همیشه خائنان را به جمال رضا آراسته دارد و ناصحان را به وبال سخط مأخوذ.

۶۳- کدام گزینه درست است؟

- ۱) آنکه چون گنج قارون خاک خورد شود، به مرور به فراموشی سپرده شده است.
- ۲) آنکه مواضع حقوق را به امساک نامرعی گذارد، قناعت‌پیشه‌ای خرسند است.
- ۳) چون اتفاق در نتیجه کارها معتبر است نه استحقاق، کارهای خلاق به خلاف آن بر انواع مختلف و فنون متفاوت رود.
- ۴) آنکه به تمویه اصحاب غرض روی به امضای حکم آورد بی‌ایضاح بی‌نت عزیمت را در اقامت حدود جاری نمی‌کند.

۶۴- «صحبت اشرا مایه شقاوت است و مخالطت اخیار کیمیای سعادت» و مثل آن چون .....

- ۱) گل دورویی است که هر کرا همت وصلت آن باشد دست‌هاش به خار مجروح گردد.
- ۲) تربیت مار است که مارگیر اگرچه در تعهد وی بسیار رنج برد آخر خوشتر روزی دندانان بدو نماید.
- ۳) انگشت است که آلت قبض و بسط است و چون مار بر آن بگزد و مشقت مابینت آن را عین راحت شمرند.
- ۴) باد سحری است که اگر بر ریاحین بزد نسیم آن به دماغ رسد و اگر بر پارگین گذرد از بوی آن حکایت کند.

۶۵- مناسب‌ترین گزینه برای تکمیل عبارت زیر، کدام است؟

«من از راه تفادی آخر ما فی الجعبه برو خواندم و او از سر رجوع از تمادی ..... بر من خواند و زمام مراد از قبضه عناد به من داد.»

- ۱) دونه بیض الأنوق
- ۲) أعطیت القوس باریها
- ۳) حظّ جزیل بین شدقی ضیغم
- ۴) لیس فی البیت سوی البیت

۶۶- مفهوم مشخص شده برای هر عبارت، در کدام گزینه، درست است؟

- ۱) کوه دامن پیراهن گازی تا کمرگاه درنوردید: جز اندکی برف بر قله، باقی ذوب شد.
- ۲) خلالات تُغور از بن دندان برکند: هر مشکلی را که در مرزها بود از بین برد.
- ۳) سیرالسحاب تحته ریح الجنوب می‌راندم: با اکراه و کندی حرکت می‌کردم.
- ۴) جوهر شب‌افروز با شبهه درآمیخت: خورشید غروب کرد و شب شد.

۶۷- ادامه متن زیر، کدام مورد است؟

«چهره جمال حقیقت را برف تعزز فرو گذارید»؛ بنابراین .....

- ۱) جمال حقیقی حضرت دوست را عزیز بدارید.
- ۲) پوشش غیرت حضرت حق بر حقیقت زنید.
- ۳) مقابل یگانه حقیقت هستی تکبر نداشته باشید.
- ۴) برابر حضرت احدیت از عزت و بقای خود دست بشوید.



۶۸- کدام گزینه، با معنی عبارت زیر، نزدیکی بیشتری دارد؟

«اگرچه موارد راحت به جراحات ضمیر مکدر بود و چهره مورد آمال به خدشات احوال احداث مغبر، فی اهنا شرب و امراه روزگار گذرانید»

- ۱) هرچند بارها آسایش او به سبب اندوه درون به هم خورده بود و صورتش مورد ضربه‌های بسیار قرار گرفته و خدشه‌دار شده بود و احوال جوانی او دگرگون شده بود، با نوشیدن شراب روزگار خود را سپری می‌کرد.
- ۲) هرچند به سبب اندوه درون، آن قدر کف دست بر سینه خود زده بود که مجروح شده بود و صورتش که مثل گل سرخ بود با صدمه حوادث رنگ باخته بود، در آبشخوری گوارنده روزگار گذرانید.
- ۳) هرچند گل‌های مورد به سبب اندوه درونش تیره به نظرش می‌آمد و برگ گل سرخ آرزوهایش به سبب آسیب‌های پیاپی پرپر شده بود، در میان شراب و زنان زیبا روزگار گذرانید.
- ۴) هرچند آبشخورهای آرامش به زخم درون گل‌آلود شده بود و چهره سرخ آرزوها با سیلی حوادث پیاپی دگرگون شده بود در گوارنده‌ترین آبشخوری روزگار گذرانید.

۶۹- کدام گزینه برای انتهای عبارت زیر مناسب است؟

«چنانکه در ابتدا آهن از معدن بیرون می‌آورند و آن را به لطایف‌الحیل پرورش گوناگون می‌دهند تا آینه می‌شود، وجود انسان در بدایت معدن آهن این آینه است، آن آهن را از معدن وجود انسان به حسن تدبیر بیرون می‌باید آورد و به تربیت به مرتبه آیینگی رسانیدن به تدریج و تدرّج»

- ۱) که «أنا عند المنكسره قلوبهم من أجلي»
- ۲) چنانکه می‌فرماید: «بیده ملکوت کل شیء»
- ۳) «أن القناه التي شاهدت رفعتها تنمو و تنبت أنبواً فانبوا»
- ۴) که «أنا عرضنا الأمانة على السموات والأرض والجبال فأبين أن يحملنها»

۷۰- مفهوم عبارت‌های مشخص شده در کدام گزینه درست است؟

«و سعید صراف کدخدای غازی به آسمان شد و لکل قوم یوم ... و خداوندش در دلو شد ... در آسیای روزگار بگشت و خاست و افتاد و بر شغل بود و نبود تا بعد العز والرفعه صار حارس الدجله»

- ۱) فوت کرد - گرفتار شد - از عرش به فرش افتاد.
- ۲) آدم مهمی شد - در زندان شد - باز به مقامی خوب و ارزشمند دست یافت.
- ۳) کارش بالا گرفت - از پای درآمد - بعد از ارجمندی به کاری بی‌ارزش گماشته شد.
- ۴) مشهور و بلندمرتبه شد - فریب خورد - پس از بارها فراز و نشیب، نگهبان زندان شد.

۷۱- کدام مورد، متن زیر را کامل می‌کند؟

«آنکه در معاطات کؤوس محامات نفوس را مهمل گذارد، .....»

- ۱) نواله حسام را پیاله مدام پندارد.
- ۲) طرب اوتار بر طلب اوتار ترجیح نهد.
- ۳) پیش از وصول به شام بر بیگانه سحر خورد.
- ۴) چون عقاب بر اعقاب روان باشد و گرم‌سری در باقی کند.

۷۲- کدام گزینه در عبارت زیر وجود دارد؟

«مغالبت در سخن به مبالغت رسانید و مکاشحت او به مکافحت انجامید و پنداشت که سبب اغماض بر عثرات مهذرات او مهارت هنر و غزارت دانش اوست.»

- ۱) ژاژدرآییدن
- ۲) عقال عقل گسیختن
- ۳) مقام تحرز نشناختن
- ۴) دوستی به دشمنی منتهی شدن

۷۳- کدام مورد، متن زیر را کامل می‌کند؟

- «اما حواس باطن؛ اول حس مشترک است و او قوتی است ترتیب کرده در تجویف اول از دماغ که .....».
- (۱) آن را ذاکره نیز خوانند و او قوتی است که آنچه قوت وهمی دریابد از معانی نامحسوس او نگاه دارد.
- (۲) کار او آن است که آن جزئیات را که در خیال است با یکدیگر ترکیب کند و از یکدیگر جدا کند به اختیار اندیشه.
- (۳) دریابد معانی نامحسوس را که موجود باشد در محسوسات جزئی چون آن قوتی که بزغاله فرق کند میان مادر خویش و گرگ.
- (۴) قابل است به ذات خویش مر جمله صورت‌ها را که حواس ظاهر قبول کرده باشند و محسوس آنگاه محسوس شود که او قبول کند.

۷۴- معنی واژه‌های مشخص شده چیست؟

- «من چندانکه تبصیص و تودد زیادت کنم ملک زاده در تمرد و تجلد زیادت می‌کند و می‌پندارد که ضراعت و استکانت از غلبه فضایل اوست.»

- (۱) رشوه دادن - غرور - نژاد برتر داشتن  
(۲) مهربانی - غرور - قدرتمندی  
(۳) چاپلوسی - سرکشی - فروتنی  
(۴) چاپلوسی - سرکشی - مقام والا داشتن

۷۵- مفهوم عبارت زیر چیست؟

- «اگر با این اجتماع اسباب کمالش شرف عصامیه با عظامیه ضم‌بودی و در بعضی احوال صحو و سکر اظهار آثار لوم و دنائت نکردی او را عدیم‌النظیر شایستی گفتن.»
- (۱) هنر داشت اما اصل و نسب نداشت.
- (۲) اصل و نسب داشت اما هنری نداشت.
- (۳) پاکدامن بود اما در کار استخوان خرد نکرده بود. (بی‌تجربه بود)
- (۴) بزرگ بود اما در باده‌نوشی افراط می‌کرد و در مستی مرتکب معاصی می‌شد.

۷۶- این عبارت مؤلف مرزبان‌نامه، در توصیف کدام کتاب است؟

- «رسایل مجموعی از مکاتبات منتجب بدیعی که به بدایع روایع کلمات و نکات مشحون است. لطف از متانت در آویخته و جزالت با سلاست آمیخته»

- (۱) عتبه‌الکتبه  
(۲) التوسل الی الترسل  
(۳) دستور الکاتب فی تعیین المراتب  
(۴) دستور دبیری

۷۷- با توجه به معیارهای اخلاق فلسفی، کدام گزینه برای کامل کردن عبارت زیر، مناسب‌تر است؟

- «شجاع بحقیقت آن بود که .....»
- (۱) به عذاب و نکال و مثله رضایت دهد تا اسم و ذکر در میان ابنای جنس باقی و شایع گرداند.
- (۲) حذر او از ارتکاب امری قبیح زیادت از حذر او باشد از انصرام حیات
- (۳) خویشتن را در ورطه‌های مخوف اندازد و مرگ بر حیات اختیار کند.
- (۴) بر مباشرت حروب و رکوب احوال قیام نماید.

۷۸- کدام مورد، مفهوم ضرب‌المثل «اذا اعشبت فانزل» را دربر دارد؟

- (۱) با همت باز باش و با رای پلنگ  
(۲) ادا ما کنت فی امر مَروم  
(۳) و اذا انتهیت الی السلا  
(۴) مرا شربتی از پس بدسگال  
زیبا به گه شکار، پیروز به جنگ  
فلا تقنَع بما دون النجوم  
مت فی مَداک فلا تُجاوز  
بود خوشتر از عمر هفتاد سال

۷۹- کدام مورد، در ارتباط با متن زیر است؟

«گفته‌اند انّ الذلیل الذی لیست له عضد یعنی اعوان صدق و اخوان صفا که وجود ایشان از ذخایر روز حاجت باشد و از عواصم زخم آفت و بنگر که از نیش پشه چند که چون به توازر و تعاون دست‌یکی می‌کنند با پیکر پیل و هیکل گاومیش چه می‌رود.»

(۱) و لا عدا الوابل مَغناکُم  
(۲) خیرُ الاشیاء جدیدها و خیرُ الإخوان قدیمها  
(۳) و أمرک عالٍ صاعدٌ کصعوده  
(۴) تأبی القداحُ اذا جَمِعنَ تکسرا

۸۰- کدام مورد، عبارت زیر را کامل می‌کند؟

«(بهرام گور) در جایی که دلال شمشیر او در روزبازار معرکه ارواح را من یزید کردی .....»

(۱) متاع حیات عظیم ارزان بودی  
(۲) مواد زحمت اعدا را مندفع کردی  
(۳) رستم دستان پیش او داستان مردی خود نیارستی زد  
(۴) در خصم‌شکنی و دشمن‌فکنی بر مردان جهان فسوس کردی

